



رئیس‌جمهور:

در شش ماهه دوم سال شرایط اقتصادی بهتر خواهد شد

ایسنا: رئیس‌جمهوری روز گذشته در جلسه هیئت دولت با تسلیت ایام عزاداری هفته پایانی ماه صفر، با بیان اینکه باید نسبت به زندگی پیامبر (ص) بیش از آنچه تاکنون انجام شده دقت صورت گیرد، گفت: «پیامبر (ص) برای همه الگو و نمونه بود...

• صفحه ۲

پنجشنبه ۲۴ مهر ۱۳۹۹ • ۲۷ صفر ۱۴۴۲ • ۱۵ اکتبر ۲۰۲۰

تیترا

دست رد ناطق وولایتی به سینه اصولگرایان

• صفحه ۲

مطالبه عجیب شرکت کشتی‌رانی از تجار

• صفحه ۵

بررسی عملکرد دولت دهم

دولت بی‌برنامه

• صفحه ۳

وزیر استقلالی شد، رسول پناه «وعده پناه»!

• صفحه ۱۱

بگومگوی مجلس و دولت ادامه دارد

باهر: طول می‌کشد مجلس بفهمد یک‌سری کارها نشدنی است

• صفحه ۲

حرف اول

سفر خانوادگی نمایندگان به مشهد و چند نکته

محمدحسین شیخ‌محمدی



ماجرای «سفر خانوادگی برخی نمایندگان با هزینه شهرداری مشهد»، خبر تحویل «خودروی دپالاس» و «واکسن آفکلوآنزا» به نمایندگان مجلس ازجمله مباحثی بودند که در روزهای اخیر حاشیه‌ساز شدند و مورد اعتراض مردم قرار گرفتند. حساسیت جامعه درخصوص تبعیض میان نمایندگان مجلس و مردم درست و دقیق است. فراموش نکنیم عامل اصلی بروز تبعیض در مجلس سا، موضوع تعارض منافع نمایندگان مجلس است؛ تعارض منفعی که خروجی‌اش فساد و ناکارآمدی است. تعارض منافع یا تضاد منافع به موقعیتی اشاره دارد که کارکنان، مدیران یا حتی نهادهای می‌توانند از موقعیت و جایگاه شغلی خود سوءاستفاده کنند. موقعیتی که مقام مسئول بر سر دوراهی انتخاب بین منافع عمومی و منافع شخصی، با ترجیح‌دادن منافع شخصی بر منافع مردم، منشأ تبعیض، فساد، رانت و بی‌عدالتی می‌شود. تلافی قانون‌گذاری و اجرا در مجلس شورای اسلامی زمینه‌های بروز تخلف و فساد گسترده را برای نمایندگان ایجاد کرده است. مجلس شورای اسلامی به عنوان رکن اصلی نهاد قانون‌گذاری در کشور سرشار از فرصت‌ها و جایگاه‌های تعارض منافع است. ازجمله مصادیق تعارض منافع می‌توان به حضور در هیئت‌مدیره‌ها، حکم مشاور در شرکت‌های دولتی، تصدی هم‌زمان دو یا چند شغل، پذیرش هدایا، مجبورکردن مسئولان دولتی به ارتکاب اقدامات ناصحیح و خارج از قانون، درب‌های چرخان و... اشاره کرد که امکان بروز فساد در نمایندگان را افزایش می‌دهد. خروجی تصمیمات و قوانین نمایندگی که دائم در موقعیت تعارض منافع قرار گرفته‌اند، منطبق با نیازها و دغدغه‌های مردم نخواهد بود. ضعف قوانین و سیستم نظارتی ناکارآمد مهم‌ترین دلایل بروز تعارض منافع در مجلس شورای اسلامی است. متأسفانه در کشور ما قوانینی برای مدیریت تعارض منافع در میان نمایندگان مجلس تدوین نشده است و ضعف‌های اساسی در دو حوزه تقنین و نظارت وجود دارد؛ قوانینی که به کارآمدی، پاسخ‌گویی، سلامت، شفافیت و صداقت نمایندگان کمک کند، تعارض منافع آنها در تصمیم‌گیری‌ها را کاهش دهد و کیفیت خروجی مجلس را بهبود بخشد.

ادامه در صفحه ۴



«شرق» انتخابات ۲۰۲۰ آمریکا را در گفت‌وگو با صاحب‌نظران بررسی می‌کند

آمریکا علیه آمریکا

خوشرو: سورپرایز اکتبر مربوط به ایران نیست

مذاکره با آمریکا و اصلاح‌طلبی حداکثری و حداقلی

جو بایدن کابوسی برای عربستان و محمد بن سلمان

حسین شریعتمداری: شاید ترامپ قبل از انتخابات به جهنم برود

سفیر سابق ایران در روسیه: آمریکا مرکز ثقل سیاست خارجی روسیه

شرق: اتفاقات بزرگ و خبرهای مهمی که زمانی انتشارشان، نظرسنجی‌های رقابت‌های انتخاباتی را چندین درصد بالا و پایین می‌کرد، حالا می‌آیند و می‌روند، بدون آنکه فرق چندانی در اوضاع ایجاد کنند. به جای کنایه‌های ظریف، رقای سیاسی حالا رسماً و صراحتاً یکدیگر را به زوایل اخلاقی متهم می‌کنند، بدون آنکه از واکنش منفی مخاطب به ادبیاتشان نگران باشند. فضای سیاسی قطبی‌شده شکلی به رقابت انتخاباتی داده است که در آن درصد کمی از رأی‌دهنده‌ها واقعاً بین دو گزینه انتخاب می‌کنند و بسیاری، به هر حالت و هر حال، به کاندیدای جبهه خود رأی می‌دهند و تحت هیچ شرایطی نمی‌توانند تصور پیروزی جبهه رقیب را تحمل کنند؛ چرا که هر دو دسته بر این باورند که پیروزی دیگری، کشور را دچار بنیان‌های ماهوی خواهد کرد. گذشت دورانی که پیروزی چهل‌وپنجاهی در انتخابات ریاست‌جمهوری ممکن بود. فضای سیاسی آمریکا با دوقطبی شدیدی که شکل گرفته، رقابت انتخاباتی ۲۰۲۰ را چطور از سر می‌گذراند؟

در صفحه‌های ۴۰۳ و ۸ بخوانید.

یادداشت

شجریان در بارگاه فردوسی



مهدی افشار پژوهشگر

استحکام و صلابتی به شعر او بخشیده بود که هر شعر ناشناسی را تکان می‌دهد، چه رسد آثانی که شعر نیکو را از ضعیف بازمی‌شناسد. فردوسی از شجاعت و شهامت محمود نمی‌گوید، از تهمورث و جمشید می‌گوید، از کیخسرو، فرزند سیاوش روایت‌ها دارد که ایزدی بود و سرانجام ایزدانه عروج کرد، شهریارِی که پس از خون‌خواهی پدرش و فرونشاندن آتش فتنه، حتی اگر آن آتش را پدر بزرگ مادری‌اش به لهیب کشانده باشد، بازگوارانه ایران‌زمین را از هرگزندی در امان داشت. فردوسی از مردی و مردانگی می‌گوید، او خرد را می‌ستاید، چه زیبا و چه بسیار و بزرگ‌ترین و شورانگیزترین روایت حماسی جهان را با خرد آغاز می‌کند: به نام خداوند جان و خرد/ کزین برتر اندیشه هندوان را غارت کرده بود، اکنون با کنج‌خانه‌ای سرشار از انواع سنگ‌های قیمتی، پشیمان از بریده‌شدن گیسوی وسوسه‌انگیز ایاز که خواهرش را به همسری داشت از شاعران می‌خواست شعری بپسارند تا دل نارام سلطان آرام گیرد از مشاطه‌گری ناشیانه‌اش و عنصری فی‌البداهه سرود: کی عیب سر زلف تو از کاستن است/ چه جای به غم نشستن و خاستن است/ جای طرب و نشاط و می خواستن است/ کاراستن سروز پیراستن است و چه زیبا هم سرود که بداهه‌سرایی‌اش، کام سلطان را شیرین گرداند و سلطان نیز ثروت از یغما به‌کف‌آورد؛ را آسنان پراکنده گرداند و دهان عنصری را پیر از در و کهر کرد که آیین محمود چنین بود تا آوازه‌گشاده‌دستی‌اش، گوش همه جهانیان را کر کند تا او را بستانند و هم بیم در دل قدرت‌طلبان افکند و رقیبان را به هراس اندازد. و در این میانه فردوسی، آن دهگان‌زاده میهن‌دوست، غایب بود؛ او از ایران می‌گفت، بسیار هم می‌گفت و برخلاف عنصری که به گفته صاحب چهار مقاله عروضی دیگ و دیکدان از طلا داشت، میراث پدری را هزینه می‌کرد تا میراث ایرانی را زنده نگاه دارد و در گوش ایرانیان نه به نجوا که به فریاد بگوید شما که بوده‌اید؛ شوق و شور ایران‌دوستی‌اش با طبع لطیف شاعرانه‌اش،

ادامه در صفحه ۴

یادداشت

کانون معرفت‌ساز



محمد رضا نور اللهیان

دین را حرمیست در خراسان/ دشوار تو را به محشر آسان/ از معجزه‌های شرع احمد/ از حجت‌های دین یزدان/ همواره رهش مسیر حاجت/ پیوسته درش مشیر غفران

این شعر زیبای سنایی غزنوی در قرن ششم درباره حضرت رضا(ع) شعر بسیار بلندی است با ویژگی‌های خاص و بیان وازه‌ها و کلمات زیبا و مقدس. در ادیان آسمانی کلمه «مبارک» گرچه کمتر استفاده شده ولی بار معنوی زیادی دارد؛ ازجمله درباره حضرت ابراهیم و حضرت عیسی(ع). درباره ابراهیم خلیل، قرآن این عبارت ارزشمند را در سوره مبارکه هود دارد که فرشتگان به همسر حضرت ابراهیم نبی می‌گویند: «رَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ إِنَّهُ حَمِيدٌ مَّجِيدٌ» (رحمت و برکات خدا مخصوص شما اهل بیت است، زیرا خدا بسیار ستوده‌صفات و بزرگوار است)، می‌دانیم پیامبر(ص) و بنی‌هاشم و امامان از آل‌ابراهیم هستند. در سوره مریم آمده حضرت عیسی مسیح(ع) به نام تولد تلاوت می‌کند: «وَجَعَلْنِي مَثَافِئًا لِّأَيِّ مَا كُنْتُ وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا» (و خداوند مرا هر کجا که باشم مایه برکت و رحمت) گردانید و تا زنده‌ام به عبادت نماز و زکات سفارش کرد. حضرت رضا(ع) نیز که وجود مبارکی برای جهان هستند، از لحظه‌ای که به ایران وارد شدند و مسیر بصره، اهواز تا سمنان و نیشابور و خراسان را طی کردند، هر کجا گام نهادند آثار آن برکت‌آفرین بوده است و تا اینک که ۱۲۰۰ سال می‌گذرد همچنان نیز تدایم دارد. درست است مردم ایران این روزگار گرفتار مشکلات بسیاری هستند اما پلگاهی مبارک و متبرک و مرکزیتی اساسی در کشورمان وجود دارد که همچنان دل‌های عاشقان را تسخیر کرده است، حضور امام موجب انتشار دانش، فرهنگ، بحث، مناظره و گفت‌وگوی ادیان و تمدن‌ها بوده است و برکات آسمانی این انسان کامل، رافع مشکلات و بلاهای بسیار از این سرزمین. امروز که در آستانه سالگرد شهادت ایشان، دشواری شیوع بیماری مانع برگزاری مراسم معمول هر سال است، بیش از همیشه به حضرت رضا(ع)، آن انسان برگزیده، باید توجه کنیم. آنچه در این یادداشت برای روزنامه وزین «شرق» در نظر نگارنده است، بیان خصایل و مکارم اخلاق ثامن‌الحجج نیست که در روایات آمده «أَشْبَهَ النَّاسَ» به رسول‌الله بوده‌اند؛ رهبری که حتی در آن هنگام که ولیعهدی را پذیرفت، همچنان با فقرآزبست و با آنان نشست و برخاست کرد و اگر از حجاز و عراق و دیگر بلاد میهمانی داشتند با

با تأکید بر نقش فعال و سازنده ایران

گفت‌وگوی ظریف با وزیر خارجه ژاپن

ایرنا: وزیر امور خارجه با تأکید بر نقش فعال و سازنده جمهوری اسلامی ایران در ایجاد صلح و ثبات در منطقه گفت: حضور نیروهای بیگانه نه‌تنها کمکی نمی‌کند، بلکه موجب پیچیدگی و تشدید مشکلات در منطقه می‌شود. به گزارش اداره...

• صفحه ۴

سال هجدهم • شماره ۳۸۴۲ • ۱۲ صفحه • ۵۰۰۰ تومان

سرمقاله

پس از مرگ پیامبر

محمدتقی فاضل‌میردی

عضو مجمع محققین و مدرسین حوزه علمیه قم



کمترین ساعغر بزم خوش او شد کوثر/ دل چون شیشه ما هم قدح ایشان باد (مولوی)

براساس روایات تاریخی، پس از انتشار خبر مرگ پیامبر اسلام (ص) مردم جزیره‌العرب واکنش‌های مختلفی نشان دادند.

۱- آثنان که او را پیامبر برگزیده خدا می‌دانستند و تحولات بزرگ او را در جزیره‌العرب دیده بودند، نمی‌توانستند مرگ کسی را که در دل و جان جای داده بودند، باور کنند. مردی که قبیله‌های مختلف عرب را زیر لوای توحید الفت بخشیده بود، آتش جنگ‌های دیرین را خاموش کرده بود، معاش محرومان و یتیمان را با زکات، صدقات و انفاق و تسویه اموال تأمین کرده بود. سیاست «برابری» را به جای «نابرابری» نشانده بود، زنجیرهای اسارت و بردگی را از پای زبردستان باز گشاده بود و کرامت و شرافت و بزرگی آدمیان را فقط با تقوای الهی باورانده بود، باورکردن مرگ چنین پیامبری برای برخی چندان آسان نمی‌نمود. خاصه اینکه سن پیامبر چندان بالا نبود و بیماری‌اش کوتاه و نه چندان سخت، با خود می‌گفتند جسمش چون پیمایش جاودانه است و او نمی‌میرد یا مانند عیسی به آسمان صعود می‌کند. مورخان نگاشته‌اند هنگامی که خبر مرگ پیامبر اعلام شد، خلیفه دوم سخت برآشفست و گفت: هرکس بگوید محمد (ص) مرده است، با شمشیر سراغش می‌روم. «پیامبر نمرده است، او غایب گشته، همچنان‌که موسی به کوه طور رفت. به خدا قسم پیامبر به‌زودی خواهد آمد». خلیفه اول خود را به او رسانید و گفت: مگر در قرآن نخوانده‌ای «انک میت و انهم میتون» وی خاموش شد و گفت خدای محمد زنده است.

۲- گروهی معدود در انتظار این بودند که با مرگ پیامبر، رسالت و پیام او نیز خاموش خواهد شد و سرخوردگان و قدرت‌باختگان از اسلام به نوای زمان جاهلیت بازمی‌گردند. غافل از اینکه خدا فرموده: «انا نحن نزلنا الذکر و انا له لحافظون» مولوی چه زیبا این کریمه را به نظم مثنوی کشانده است: مصطفی‌ا من وعده داد الطاف حق/ گر بمیری تو نمیرد این سیق/ من کتاب و معجزت را خافضم/ بیش و کم کن را ز قرآن رافضم/ تا قیامت باقیش داریم ما/ تو مترس از نسخ دین مصطفی/ هست قرآن مروت‌ورا همچو عصا/ کفرها را در کشد همچو عصا و لاکون اعجازوار این پیام و رسالت بر بلندای تاریخ مانده است. به قول ویل دورانت در شگفتی ما این‌همه حمله‌هایی که در تاریخ نسبت به اسلام و کشورهای اسلامی شده است، این دین (اسلام) سرپا مانده است.

۳- گروه دیگری که پس از مرگ پیامبر به امحای اسلام نمی‌اندیشیدند، اما برای احیای خلافت و بقای آن در تبار خود نمی‌آسودند، بدون اتفاق وقت، جسد بی‌جان پیامبر را رها کرده و شتابناک به‌دنبال نصب رئیس امت برآمدند. معدودی از بنی‌هاشم، در رأس آنان علی(ع) و عباس و طلحه و زبیر سرگرم غسل و دفن پیامبر بودند و عده‌ای زیر طاق سقیفه نشسته بودند تا تکلیف امت را برای تعیین رهبری روشن کنند. مبادا قبیله‌ای قدرت را از کف قبیله دیگر برباید. مهاجران (مکیان) و انصار (یثربیان) در زیر سایه سقیفه به رقابت برخاستند. جدال و مشاجره بالا گرفت. برخی انصار چاره را در این دیدند که «منا امیر و منکم امیر»؛ ما امیری و از شما امیری؛ یعنی دو رهبر برای یک امت. ابابکر که بزرگ و سالخورده مهاجران بود، این رأی را مردود دانست و گفت اختلاف امت را زساد نکند. امیر از مهاجران باشد و وزیر از انصار. روایتی از پیامبر در آنجا قرائت شد که: «الائمه من قریش» پیشوا باید از قریش باشد. بگذریم از اینکه کسی برای این روایت به مسلمین به‌نوعی دیگر از سر گرفته شد. ابوسفیان که از دیگر فحول و کهل قریش و جاهلیان بود، بر چنین انتخابی اعتراض کرد و رو به‌سوی خانه علی نهاد و گفت با علی دستت را دراز کن تا با تو بیعت کنم؛ حضرت از قبول بیعت امتناع کرد، چون می‌دانست که ابوسفیان چها در سر دارد. روزهای آغازین پس از مرگ پیامبر است، همه در این فکر هستند که چه کسی یا از چه قبیله‌ای حاکم می‌شود؟ انصار یا مهاجر؟ اگر از انصار است، از اوس باشد یا از خزرج؟ دعوا بر سر قدرت بود و دعوی اصلی پیامبر رویه‌فراموشی می‌رفت و چنین امری شوخی نیست. سال‌ها میان عدنانیان و قحطانیان یعنی اعراب شمال و جنوب بر سر قدرت دعوا بوده است.

ادامه در صفحه ۲